

The role of "incitement" on the criminal liability of athletes and health activists

Mehdi Khademi Jamkarani

PhD student in Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran.

Ahmadreza Tawakli

Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran. **(Corresponding author)**.
a_tavakoli@iaun.ac.ir.

Mohammad Ali Heydari

Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran.

Abstract

Purpose: The current research tries to investigate and analyze the role of "incitement" on the criminal liability of athletes and health activists, so that this issue can be proven through these legal and jurisprudential investigations. **Materials and methods:** This research was done with the method of library studies and in a descriptive-analytical way, by referring to Quranic, jurisprudential, legal and scientific texts, the necessary information was obtained and analyzed. **Findings:** In many legal systems of the world, the defense of incitement and its effect on reducing or mitigating the punishment has been accepted. The problem of the current research is "what is the role of incitement in the criminal responsibility of athletes and health activists?". In Iran's legal system, attention to the excuse of incitement has been taken into account in punishments, but it has not been taken into consideration in the discussion of limits. In the Holy Qur'an, Sunnah and jurisprudential sources, we come across some jurisprudential principles and rules that are directly or indirectly related to the issue of provocation and its effect on punishment, and this same issue can be a strong support for more attention. Lawyers and those involved in judicial affairs should pay attention to this issue with a stronger support from a jurisprudential point of view. **Conclusion:** According to the conducted investigations, the instigator has the role of deputy in committing the crime, therefore, in addition to the criminal liability of athletes and health activists, the instigator can also be prosecuted as an accessory to the crime.

Keywords: incitement, jurisprudential evidence, legal evidence, criminal responsibility, athletes, health activists.

Received: 2024/02/29 ; **Revised:** 2024/05/01 ; **Accepted:** 2024/06/18; **Published online:** 2024/06/25

Article type: Research Article

Publisher: Qom Islamic Azad University

© the authors



نقش «تحریک» بر مسئولیت کیفری ورزشکاران و فعالان امور سلامت

مهدی خادمی جمکرانی: دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

احمد رضا توکلی: استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول) a_tavakoli@iaun.ac.ir

محمد علی حیدری: استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

چکیده

هدف: پژوهش حاضر تلاش می‌کند نقش «تحریک» بر مسئولیت کیفری ورزشکاران و فعالان امور سلامت را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد تا از رهگذر این بررسی‌های حکم فقهی و حقوقی این مساله مبرهن گردد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با روش مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است که با مراجعه به متون قرآنی، فقهی، حقوقی و علمی اطلاعات لازم به دست آمده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. **یافته‌ها:** در بسیاری از نظام‌های حقوقی دنیا، دفاع تحریک و تاثیر آن در سقوط یا تخفیف مجازات، پذیرفته شده است. مساله پژوهش حاضر آن است که «نقش تحریک در مسئولیت کیفری ورزشکاران و فعالان امور سلامت چیست؟». در نظام حقوقی ایران، توجه به عذر تحریک، در تعزیرات، مورد توجه قرار گرفته ولی در بحث حدود، مورد نظر قرار نگرفته است. در قرآن کریم و سنت و منابع فقهی به برخی از اصول و قواعد فقهی بر می‌خوریم که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، با مساله تحریک و تاثیر آن در مجازات ارتباط دارند و همین مساله، می‌تواند پشتوانه‌ی محکمی برای توجه بیشتر حقوقدانان و دست‌اندرکاران امور قضایی باشد که با پشتوانه‌ی محکم‌تری از منظر فقهی به این مساله توجه نمایند. **نتیجه‌گیری:** با توجه به بررسی‌های انجام شده تحریک کننده نقش معاون در ارتکاب جرم را دارد بنابراین علاوه بر مسئولیت کیفری ورزشکاران و فعالان امور سلامت شخص تحریک کننده نیز به عنوان معاون جرم قابلیت تعقیب کیفری دارد.

واژگان کلیدی: تحریک، ادله فقهی، ادله حقوقی، مسئولیت کیفری، ورزشکاران، فعالان امور سلامت.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم © نویسندگان.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۹ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۳ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۷/۰۵

مقدمه

امروزه کار آمدی و نقش قواعد فقهی را در نظام حقوقی نمی توان نادیده گرفت. با نگرشی عمیق و کارشناسانه به قواعد فقهی، می توان ادعا کرد که توجه و اهتمام به قواعد و متون فقهی و کاربردی نمودن آن ها در رویه جاری نظام حقوقی، می تواند مشکل گشایی فراوانی را به سر انجام رساند. هر چند در بین قواعد فقهی که تاکنون علمای فقه آن ها را در کتب خود بیان نموده اند، چیزی به نام قاعده ی فقهی تحریک یافت نمی شود ولی در خصوص بررسی نقش تحریک، در روند وقوع جرم، به برخی از قواعد فقهی بر می خوریم که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، با این مساله ارتباط دارند و همین مساله، می تواند پشتوانه ی محکمی برای توجه بیشتر حقوقدانان و دست اندرکاران امور قضایی باشد که با پشتوانه ی محکم تری از منظر فقهی به این مساله توجه نمایند.

مساله تحریک در امور ورزشی و همچنین امور مرتبط با سلامت قابل تصور و تحقق است. به عنوان نمونه هواداران یک ورزشکار با تشویق ها یا شعارهای تحریک کننده وی را تشویق به زدن ضربات محکم تر بر طرف مقابل میکنند. یا مدیران و صاحبان باشگاه های ورزشی با فشارهایی که بر ورزشکاران می آوردند آن ها را تحریک به استفاده از مواد غذایی یا دارویی ممنوع می نمایند و این امور منجر به ضرر رساندن به دیگران می شود و مسئولیت کیفری را متوجه ورزشکاران می نماید.

مساله پژوهش حاضر آن است که «نقش تحریک در مسئولیت کیفری ورزشکاران و فعالان امور سلامت چیست؟». برای بررسی این مساله باید مبانی فقهی و حقوقی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

مبانی حقوقی عدم مسئولیت کیفری در امور ورزشی

عدم مسئولیت کیفری ناشی از فعالیت های ورزشی دارای مبانی حقوقی است. سه دیدگاه حقوقی مهم در مورد خطای ورزشی و عدم مسئولیت ناشی از آن به شرح زیر است:

۱. نظریه مبنی بر عدم وجود قصد مجرمانه

یکی از مبانی رایج عدم مسئولیت کیفری ناشی از حوادث ورزشی «نظریه مبتنی بر فقدان قصد مجرمانه» است. عده ای از حقوق دانان حوادث ناشی از عملیات ورزشی را به دلیل فقدان قصد مجرمانه، غیرقابل مجازات

دانسته‌اند. در سال ۱۹۱۲ در یکی از استان‌های فرانسه رأی صادر شد که مطابق آن، «جرائم معمولی ضرب و جرح به لحاظ احساس کینه‌ای است که مهاجم نسبت به طرف مقابل دارد؛ در حالی که این احساس کینه برای یک بازیکن فوتبال یا قهرمان مشت‌زنی یا قهرمانان دیگر رشته‌های ورزشی وجود ندارد و این بازیکن فقط کار و وظیفه خود را انجام می‌دهد». به نظر می‌رسد این استدلال مردود باشد، زیرا ممکن است کینه در اثر رد و بدل ضربات به وجود آید. به علاوه، دادگاه در اینجا قصد را با محرک و علت ارتکاب جرم مخلوط کرده است، زیرا ورزشکاران از ابتدا می‌دانند با شروع بازی ضربات و جراحاتی به یکدیگر وارد خواهند آورد و اینکه به یکدیگر کینه دارند یا خیر، در عمل مؤثر نیست (شامبیاتی، ۱۳۷۱:۳۴۲).

۲. نظریه مبتنی بر رضایت بزه‌دیده (مجنی علیه)

به عقیده برخی حقوق‌دانان، رضایت طرفین می‌تواند صدمات و جراحات وارده ضمن انجام عملیات ورزشی را توجیه و وصف قانونی را زایل کند (گلدوزیان، ۱۳۸۴:۱۳۸). این مطلب نیز قابل انتقاد است، زیرا اولاً رضایت مجنی علیه مشخص نیست و ثانیاً می‌دانیم که قانون باید در هر مورد صریح و روشن باشد و نمی‌توان ابهام و عدم وضوح را در این زمینه پذیرفت. علاوه بر این، رضایت مجنی علیه به‌طور کلی از علل مواجهه جرم محسوب نمی‌شود، مگر در موارد استثنایی. عده‌ای از حقوق‌دانان با توجه به اینکه مبنای توجیه حوادث ناشی از عملیات ورزشی را رضایت مجنی علیه می‌دانند، یکی از شرایط آن را احراز رضایت ضمنی صدمه‌دیده ذکر کرده‌اند. بدین معنا که اگرچه شرکت صدمه‌دیده در مسابقه دلیل ضمنی او بر قبول خطرات ناشی از حوادث ورزشی تلقی می‌شود، هرگاه معلوم شود که شخصی تحت تأثیر خدعه و نیرنگ دیگری و برخلاف میل و رضای خویش به انجام عملیات ورزشی کشیده شده و صدمه دیده است، از شمول این بند خارج است (نوربها، ۱۳۸۳:۳۲۰).

۳. نظریه مبتنی بر اجازه قانون و عرف و عادت

عده‌ای دیگر از حقوق‌دانان با رد نظریه‌های قبلی بیان کرده‌اند که فقط اجازه قانون می‌تواند توجیه‌کننده جرائمی باشد که در چنین شرایطی پیش می‌آید. قانون در برخی موارد نادر عرف و عادت، این اجازه را می‌دهد که اگر در حین مسابقات جرمی اتفاق بیفتد، قابل مجازات نباشد (همان).

تحلیل شرایط قانونی عدم مسئولیت کیفری در مورد خطای ورزشی

اساسی‌ترین عامل برای عدم مجازات شخصی که حین فعالیت‌های ورزشی به دیگری آسیبی وارد کرده است، رعایت قانون از جانب اوست. در واقع، قانون‌گذار با تصویب قوانینی درباره جرم نبودن اعمال ورزشی، به ورزشکاران مصونیت قضایی اعطا می‌کند (حسینی و اسحاقی، ۱۳۹۴:۶۳). ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که جایگزین ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ شده است، در فصل مربوط به موانع مسئولیت کیفری در بند ۳ مقرر می‌دارد: «ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در موارد زیر قابل مجازات نیست؛ عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، مشروط بر اینکه سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم مغایر با موازین شرعی نباشد.» بنابراین، عدم مسئولیت در امور ورزشی دارای شرایطی است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نظریه مبنی بر عدم وجود قصد مجرمانه

نظریه مبتنی بر رضایت بزه‌دیده (مجنی‌علیه)

نظریه مبتنی بر اجازه قانون و عرف و عادت

مبانی حقوقی عدم

مسئولیت کیفری در

امور ورزشی

عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن

عملیات ورزشی مجموعه‌ای از فعالیت‌های بدنی فردی یا گروهی است که هدف آن دستیابی به موفقیت براساس توقعات هریک از رشته‌های ورزشی است. با توجه به سیاق ماده فوق، به نظر می‌رسد که آنچه از نظر قانون‌گذار مجازات ندارد، پیشامدهای ناگوار و عواقب بازی‌های ورزشی نظیر جراحات و شکستگی‌های اتفاقی است، اما مراد وی فقط نتایج سوء ناشی از عملیات ورزشی نبوده، بلکه نفس اعمال مذکور، مانند ضرباتی که بازی‌کنان در بازی مشت‌زنی یا ورزش‌های رزمی مبادله می‌کنند، نیز مدنظر است. این حوادث

اعم است از صدمات جسمی ورزشکاران مانند جراحات، قطع عضو یا مرگ و زیانهای مالی آنان مانند خسارت دیدن اتومبیل یا دوچرخه در ورزشهای اتومبیلرانی، دوچرخهسواری و مانند آنها. مسئولیت حوادثی که در نتیجه عملیات ورزشی در ضمن بازی برای افرادی غیر از ورزشکاران مانند تماشاگران یا داوران و مربیان پیش می‌آید، در حدود تقصیرات آنها طبق مقررات قانون مجازات اسلامی و قانون مدنی قابل بررسی است. دلیل آن نیز روشن است، زیرا شرط ضمنی قابل مجازات نبودن حوادث مذکور که در بند ۱۵۸ ماده ۱۵۸ به آن تصریح نشده، همان رضایت ورزشکاران و پذیرفتن آثار احتمالی فعالیت‌های ورزشی است، در حالی که این رضایت در غیر ورزشکاران و خارج از روابط ورزشی وجود ندارد (اردبیلی، ۱۳۸۴:۱۹۵).

عدم نقض مقررات ورزشی

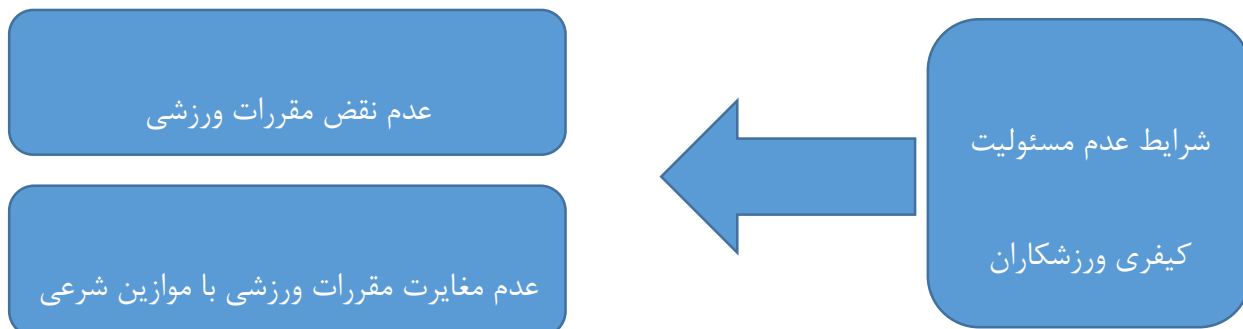
عملیات ورزشی باید در چارچوب عرف و عادت و مقررات حاکم بر یک رشته ورزشی صورت گرفته باشد تا اقدام مرتکب در ایراد صدمه به دیگری در جریان برگزاری مسابقه یا عملیات ورزشی تقصیر محسوب نگردد و باعث عدم مسئولیت کیفری مرتکب شناخته شود. بنابراین، بازی فوتبال یا والیبال در معبر عمومی و بدون نظارت مربی و عدم استفاده از وسایل ورزشی مجاز و مطمئن، فرد را از مسئولیت بری نمی‌کند. البته رعایت مقررات مربوط به هر ورزش تنها وظیفه ورزشکار نیست، بلکه ممکن است اجرای بخشی از این مقررات - مثل قواعد ایمنی - جزء وظایف افراد دیگری مثل سازمان‌دهندگان و مسئولان امر باشد. بنابراین، اگر حوادث ناشی از عملیات ورزشی به سبب تخطی مربیان، مدیران و سایر مسئولان ورزشی از مقررات باشد، تقصیری بر عهده ورزشکار نیست و مسئولیت متوجه مدیر یا فرد خطاکار خواهد بود (همان، ۱۹۶). لذا مقررات مربوط به آن ورزش صرفاً شامل مقررات ناظر به نفس عملیات ورزشی نیست. هرچند در صدر ماده به فعالیت‌های ورزشی تصریح شده، لازمه انجام فعالیت‌های ورزشی امور متعددی است که شامل وسایل شخصی ورزشکار و تجهیزات ورزشی نیز خواهد بود (آقایی‌نیا، ۱۳۷۸:۲۷).

عدم مغایرت مقررات ورزشی با موازین شرعی

از بند ۱۵۸ ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی می‌توان دریافت که رعایت مقررات ورزشی در صورتی از اسباب براءت است که با موازین شرعی مغایرت نداشته باشد. بنابراین، اعتبار مقررات ورزشی در این زمینه مطلق

نیست. وانگهی، موازین شرعی و قانونی به کسی اجازه نمی‌دهد که با سوءاستفاده از قواعد ورزشی به دیگری آسیب برساند. از نظر حقوق عمومی نیز دولت عهده‌دار حفظ امنیت عمومی است و بر همین مبنا اگر ورزشی را خطرناک و ممنوع اعلام کند، به این دلیل که خطرهای ناشی از آن ممکن است بیش از فایده‌هایش باشد، در این صورت دادگاه‌ها نیز مقید به اجرای قواعد ملی و حفظ نظم عمومی و اجرای قوانین و مقررات هستند (شاکرمی، ۱۳۹۵: ۶). بنابراین، منظور از «موازین شرعی» در این ماده، قواعد شریعت اسلام است که بر طبق آن‌ها پرداختن به بعضی بازی‌ها و ورزش‌ها که مستلزم ایذاء نفس یا ایذاء غیر است، مجاز نیست (اردبیلی، ۱۳۸۴: ۱۹۷). تهیه‌کنندگان قانون در این مورد به موازین شرعی اشاره کرده، ولی حدود آن را مشخص نکرده‌اند. بنابراین، به حکم ضرورت، قاضی و دادگاه کیفری باید چارچوب موازین شرعی محدودکننده مقررات حاکم بر عملیات و مسابقات ورزشی را بشناسد تا در برخورد با این قبیل حوادث بتواند عملیات مشروع و منطبق با موازین شرعی را تشخیص دهد و حکم مقتضی صادر کند (ولیدی، ۱۳۸۸: ۱۹۵). همچنین، صرف نقض مقررات برای اثبات تقصیر کافی نیست، زیرا مسئولیت در قبال صدمات وارده مبتنی بر عدم رعایت مقررات ایمنی است و نمی‌توان اشخاص را به استناد تقصیر عادی مسئول دانست. بنابراین، می‌توان گفت نقض مقررات در صورتی تخلف از وظیفه به حساب می‌آید که رفتار شخص متضمن تخلفی فراتر از تقصیر عادی باشد، یعنی با تصمیم قبلی یا به‌طور عمدی یا بی‌باکانه، ایمنی بازیکن دیگر را نادیده بگیرد. به موجب یک قاعده کلی، هر ورزشکاری کلیه خطرهای تبعی رشته ورزشی خود را در صورتی که قابل پیش‌بینی و روشن باشند قبول می‌کند، ولی خطر صدمات حاصل از اعمال همبازی‌های خود را که غیرمنتظره یا خلاف روحیه ورزشی باشد و ایمنی دیگر بازیکنان را نادیده بگیرد، نمی‌پذیرد. در دعوایی، دروازه‌بان یک تیم در محوطه جریمه در حالی که توپ را در اختیار داشت از ناحیه سر مورد اصابت لگد قرار گرفت و مستحق دریافت خسارت شناخته شد. این عمل مشتکی‌عنه، یعنی درگیری با دروازه‌بان در محوطه‌ای که حفاظت شده است، نقض صریح مقررات ایمنی است. این مقررات، بازیکنان را ملزم به رعایت وظایف قانونی خود می‌کند و نقض آن، تعقیب قانونی آن‌ها را در پی خواهد داشت. متن حکم دادگاه در این پرونده چنین است: «هر بازیکن قانوناً موظف است که در زمین بازی و در مقابل بازیکنان دیگر از انجام عملی که از نظر مقررات ایمنی ممنوع است، خودداری ورزد. بنابراین، بدیهی است که بازیکنان کلیه خطرهای عادی و قابل پیش‌بینی هر ورزش

خاص را می‌پذیرند، ولی خطر صدمات ناشی از اقدامات غیرمنتظره و خلاف روحیه ورزشی همبازی‌های خود را که بی‌محابا ایمنی سایر بازیکنان را به مخاطره می‌اندازند، نخواهند پذیرفت.» در پرونده دیگری یک ورزشکار علیه بازیکنی دیگر طرح دعوی کرده که وی سبب صدمات وارده به او گردیده است. دادگاه ضمن بررسی پرونده مزبور، شکایت او را به دلیل عجز از اثبات تقصیر مشتکی‌عنه مردود اعلام داشته و متذکر گردیده که شرکت اختیاری و آزادانه در بازی فوتبال به معنای رضایت ضمنی از تحمل خطرهای عادی ناشی از حضور در چنین ورزشی است که متضمن درگیری بدنی در حدود مقررات است. با وجود این، شرکت در بازی فوتبال که ضرورتاً مستلزم درگیری‌های بدنی است به معنای رضایت از درگیری‌هایی نیست که به موجب مقررات آن ورزش ممنوع شده است، مشروط بر اینکه آن مقررات به منظور حفاظت از بازیکنان وضع شده باشد نه اینکه صرفاً نقش اداره بازی را ایفا کند (شاکرمی، ۱۳۹۵: ۴).



بررسی نقش و ارتباط تحریک با سبب و مباشر در وقوع جرم

بحث اجتماع دو یا چند عامل در وقوع جرم و یا بروز خسارت، یکی از مباحث مهم مطرح شده در حقوق موضوعه و فقه است. وقوع یک جرم یا بروز خسارت، گاهی ناشی از تاثیر یک فعل و گاهی ناشی از افعال متعدد می‌باشد. در مواردی که حدوث ضرر یا زیان و وقوع یک جرم، ناشی از یک عامل است، اسناد نتیجه به این فعل، معمولاً از پیچیدگی و اختلاف نظر چندانی برخوردار نیست. چرا که در این گونه موارد، با استناد به نظر کارشناسان مربوطه و بررسی صحت و سقم موضوع، فعل ارتكابی و روابط و استنادات مربوط به آن،

مورد بررسی و قضاوت قرار می گیرد. اما گاهی، بروز خسارت و وقوع جرم، ناشی از دخالت عوامل متعددی است که این عوامل متعدّد نیز ممکن است از عامل واحد یا عوامل متعددی صادر شود. در فرض اول که وقوع جرم یا بروز خسارت توسط عوامل متعددی از طرف یک شخص باشد مثل فرض قبلی، مشکلی در تعیین مجرم و به وجود آورنده ی ضرر و زیان، به چشم نمی خورد. مشکل، بیشتر در جایی است که عوامل متعدّد، باعث بروز خسارت و وقوع جرم می شوند. مسئولیت مدنی سبب و مباشر در فقه و حقوق ایران، هم در حوزه اموال و هم جنایات مورد بحث قرار گرفته است.

تعریف سبب و مباشر

تسبیب به معنای سبب ساختن و اسباب فراهم آوردن است. (جمال الدین محمد، ۱۴۰۵، ج ۸: ۱۲) سبب معمولاً در مقابل مباشر به کار می رود. مباشرت معمولاً به این معناست که شخصی، مستقیماً باعث بروز خسارت یا وقوع جرم و جنایتی شود. به عبارت دیگر، مباشر، نزدیک ترین علت بروز خسارت یا وقوع جرم و جنایت می باشد، ولی سبب، معمولاً به صورت غیر مستقیم یا واسطه، نقش خود را ایفا می کند. می توان گفت که سبب، آن چیزی است که از وجودش، وجود معلول لازم نمی آید ولی با عدم آن نیز، معلول، حادث نمی شود. به عبارت دیگر، سبب، در وقوع جرم، موثر می باشد ولی علت اصلی جرم نمی باشد. در اصطلاح فلسفی نیز، سبب به امری می گویند که از وجودش، وجود و از عدمش، عدم لازم می آید. در حالی که در سبب فقهی، چنین عاملی فراهم نمی آید. سبب، به کاری دست می زند که زمینه ی تلف را آماده می سازد. چندان که اگر ارتکاب آن نبود، تلف رخ نمی داد ولی بین آن کار و وقوع تلف، رابطه ی علیّت وجود ندارد. (کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۸۲) دو اصطلاح سبب و مباشر در فقه، بیشتر در بحث جنایات بیان شده است. البته بحث تسبیب در روایات اسلامی مطرح نشده و فقهای سبب و سنی هم تا قرن پنجم، سخنی از آن به میان نیاورده اند اما از قرن پنجم به بعد، سبب به صورت گسترده ای مطرح شده است. (زراعت، ۱۳۸۶: ۳۳)

این بحث در منابع فقهی ما عمدتاً در بحث تراحم موجبات ضمان بیان شده و در مباحث مربوط به اجتماع اسباب و یا اجتماع سبب و مباشر از آن سخن به میان می آید. برخی فقها رفتار مرتکب را به صورت علت، سبب و یا شرط، موجب تحقق جرم و جنایت می دانند (علامه حلی، ۱۴۱۸: ۵۳۸)

از جمله روایاتی است که هم از نظر سند صحیح است و هم بر قاعده ی تسبیب، دلالت روشنی دارد این روایت می باشد: « عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الشَّيْءِ يُوَضَعُ عَلَى الطَّرِيقِ - فَتَمَرُّ الدَّابَّةُ فَتَنْفِرُ بِصَاحِبِهَا فَتَعْقِرُهُ - فَقَالَ كُلُّ شَيْءٍ يُضِرُّ بِطَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ - فَصَاحِبُهُ ضَامِنٌ لِمَا يُصِيبُهُ. » (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹: ۲۴۳) در این روایت، امام صادق علیه السلام در پاسخ سوال از حکم چیزی که سر راه مسلمانان قرار داده شده است و باعث ترس و فرار چهار پایی شده و در نتیجه باعث زمین خوردن صاحبش شده فرموده اند که هر چیزی که باعث ایجاد ضرر و زیان مسلمانان در معابر عمومی شود ضامن آور است.

سبب و مباشر در مواد قانونی

بنابر ماده ۳۱۸ قانون مجازات اسلامی، سبب، معمولا در مقابل مباشر به کار می رود. در مباشرت، جرم، مستقیما توسط مجرم به وقوع می پیوندد. در صورتی که در تسبیب، مجرم خودش به طور مستقیم، مرتکب جرم نمی شود ولی در وقوع جرم، مؤثر می باشد.

ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی جنایت را در صورتی موجب قصاص یا دیه می داند که نتیجه ی حاصله، مستند به رفتار مرتکب باشد. اعم از آن که به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آن ها انجام شود. آن چه از این ماده ی قانون برداشت می شود این است که گاهی خود مجرم، مستقیما باعث به وقوع پیوستن نتیجه ی مجرمانه و وقوع جرم می شود (مباشر) و گاهی به صورت غیر مستقیم و با ایجاد یک یا چند سبب، باعث تحقق نتیجه و وقوع جرم می شود. (سبب) سبب، اگر چه عامل اصلی وقوع جرم نیست اما در روند وقوع جرم، مؤثر است. هر چند که این تقسیم بندی را نمی توان مختص باب جنایات دانست و می توان گفت که تقریبا تمامی جرایم، در نتیجه ی یکی از عوامل مذکور به وقوع می پیوندد. یکی از ارکان مسیولیت مدنی وجود رابطه ی سببیت عرفی میان فعل زیان بار و ضرر حادث شده است. لذا کسی که عرفا تلف به او استناد دارد، مسیول قلمداد می شود. (حیاتی، ۱۳۹۲: ۵۶)

ماده ی ۴۹۴ قانون مجازات اسلامی، مباشرت را این گونه بیان می کند: مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود.

بر اساس ماده ی ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی، هر گاه کسی، دیگری را بترساند و آن شخص در اثر ترس، بی اختیار فرار کند یا بدون اختیار، حرکتی از او سر بزند که موجب ایراد صدمه به خودش یا دیگری گردد،

ترساننده، حسب تعاریف جنایات عمدی و غیر عمدی، مسئول است. در مورد شرط بی اختیار شدن مباشر، برخی از حقوقدانان عقیده دارند که شاید بهتر آن بود که شرط مسیولیت ترساننده را معقول بودن عکس العمل فرد مرتکب، بنا به قضاوت عرف می دانست و در واقع با این کار موضوع را به داوری عرف وا می گذاشت. (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲: ۵۶)

ماده ۳۳۲ قانون مدنی نیز در این خصوص بیان می دارد که هرگاه یک نفر، سبب تلف شدن مالی را ایجاد کند و دیگری، مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسیول است نه مسبب، مگر این که سبب، اقوی باشد به نحوی که عرفاً، اتلاف مستند به او باشد. این ماده ی حقوقی در حقیقت برگرفته از فقه امامیه است.

ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی در تعریف تسبیب بیان می کند که تسبیب در جنایت، آن است که کسی، سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود، مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که در صورت فقدان رفتار او، جنایت حاصل نمی شد مانند آن که چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند.

در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی نیز چنین آمده است: هر گاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب، در وقوع جنایتی، تاثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنان چه جنایت، مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می باشند؛ مگر تاثیر رفتار مرتکبان، متفاوت باشد که در این صورت، هریک به میزان تاثیر رفتارشان، مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت، بی اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آن ها باشد، فقط سبب، ضامن است. با وجود تصریح نشدن مسیولیت مباشر در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی، به نظر برخی حقوقدانان، عرف، مسیول بودن مباشر را منطبق بر اصل می داند و مسیولیت سبب را نیازمند اثبات اقوی بودن آن. مثل مواردی که مباشر، بنا به تصریح ماده ی ۵۲۶ بی اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آن ها باشد که در این صورت، فقط سبب ضامن است. عبارت و مانند آن ها در این ماده ی قانونی، ظاهراً شامل مواردی که مباشر از روی ناچاری اقدام کند، می شود. برخی حقوقدانان، مواردی چون پرستاری که در اجرای دستور پزشک، داروی سمّی را که نمی داند سمّی است به بیمار می خوراند و یا مامور اجرای حکم اعدام، به دستور مافوق و بدون اطلاع از نادرستی دستور، شخص بی گناهی را به جای شخص محکوم، اعدام می کند و یا زنی که توسط دیگری با خودرو،

ربوده شده است و برای فرار از دست وی، خود را از خودروی در حال حرکت به بیرون پرتاب می کند را از جمله مواردی می دانند که در آن ها، سبب اقوای از مباشر است. (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲: ۵۲)

در ماده ی ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی آمده که هرگاه دو یا چند نفر، با انجام عمل غیرمجاز، در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی، دخالت داشته باشند، کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت، قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آن که یکی از آنان، گودالی حفر کند و دیگری، سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ، به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است مگر آن که همه، قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت، شرکت در جرم محسوب می شود. سبب، در مواد قانونی، معنای عامی داشته که می تواند مصادیق مختلفی داشته باشد. مثل سبب مادی یا معنوی و تحریک نیز به سبب ماهیت خاص خود و تأثیری که می تواند در روند وقوع جرم داشته باشد که گاهی از مصادیق معاونت در جرم نیز محسوب می گردد، می تواند شامل مصادیق سبب و جزء اسباب معنوی وقوع جرم قرار بگیرد.

آن چه از این مباحث به صورت قاعده ای کلی می توان بیان کرد این است که اگر کسی، با واسطه و به صورت غیر مستقیم، باعث تلف مال دیگری شود، ضامن و مسئول جبران خسارت می شود چه به صورت عمدی و چه به صورت غیر عمدی چه با انجام عمل و چه با ترک فعل. پس هر کاری که توسط شخصی عاقل و مختار انجام شود و به طور معمول، این کار باعث بروز خسارت و یا وقوع جرم یا جنایتی بر شخص و یا مال و اموال دیگران شود، موجب ضمانت می شود و لذا می توان گفت که اجتماع سبب و مباشر، به این معناست که گاهی ممکن است در به وجود آمدن خسارتی یا وقوع جرمی، هم سبب و هم مباشر دخالت داشته باشند. گاهی مباشر، یکی از عوامل طبیعی و یا حیوانات است که در فرض این مساله، به علت وضوح عدم مسئولیت مباشر، به وجود آمدن خسارت یا وقوع جرم، مستقیماً به عهده ی سبب است و مسئولیت مباشر در این گونه موارد، منتفی می باشد. عمده ی بحث سبب و مباشر را می توان در جایی مطرح کرد که سبب و مباشر، هر دو انسان باشند و در ما نحن فیه، مساله در جایی است که کسی با تحریک شخصی دیگر، باعث وقوع جرم یا ایجاد خسارتی می گردد.

ملاک و ضابطه در سبب و مباشر

مجرمیت، حقیقتی عینی و واقعیتی خارجی است که با احراز دقیق رابطه ی مادی میان فعل ارتكابی و نتیجه ی مجرمانه، تحقق پیدا می کند و در روند تحقق مجرمیت، نمی توان تاثیر واقعی علل و عوامل را بر یکدیگر و اصول و قواعد ناظر بر احراز تاثیر و ارتباط این عوامل با یکدیگر را نادیده گرفت.

در روند بررسی جرمی که به وقوع می پیوندد، ملاکی را باید مورد توجه قرار داد. چرا که صرف وجود سبب در وقوع جرمی، به تنهایی نمی تواند عاملی بر تقصیر و به تبع آن مجازات مسبب باشد. غالب فقها و حقوقدانان، ملاک اقوائت سبب از مباشر را، ضابطه ی این کار دانسته و شرط تقدیم مباشر بر سبب را، قوی تر بودن مباشر از سبب دانسته اند. از این رو، مباشری که از روی اضطرار و اکراه یا جهل به سبب یا بدون قصد تجاوز و عدوان، اقدام به تلف کند، از حکم مذکور استثناء شده است. بر پایه ی آن چه در تسیب و اتلاف گفته شده است، هر چند، اصل آن است که مباشر، مسئول ورود خسارت است، ولی در مواقعی که انتساب خسارت به عمل عامل، با واسطه آن که در اصطلاح «سبب» گفته می شود، از انتساب آن به عمل مباشر اقوا باشد، سبب، مسئول خسارت خواهد بود. (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۲: ۲۳۷) در برخی موارد، خطای مجنی علیه، موجب از بین رفتن رابطه ی سبب میان کار متهم و نتیجه است. ضابطه این موارد، آن است که روشن شود سهم خطای آسیب دیده در ایجاد و نتیجه، به گونه ی شایان ملاحظه ای به نقش فعل متهم، برتری دارد. ارزیابی این مساله در اختیار قاضی است. (حسینی، ۱۳۹۱: ۳۹۳)

معیار در مساله سبب و مباشر، اقوائت است. اگر سبب، اقوی باشد، استناد به او داده می شود، و اگر مباشر، اقوی باشد، استناد به او داده می شود، و اگر مساوی باشند هر دو ضامن هستند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۳: ۴۳۲) محقق حلّی در این باره می گوید: هرگاه سبب و مباشر، در اتلاف چیزی جمع شوند، ضامن اتلاف، بر عهده ی مباشر است؛ مانند کسی که در ملک دیگری چاهی احداث کند و شخص دیگری، انسانی را درون چاه بیندازد، جنایتی که بر اثر انداختن وارد می شود بر عهده ی کسی است که آن شخص را به درون چاه می اندازد. (محقق حلّی، ۱۴۰۸، ج ۳: ۲۳۷) صاحب جواهر نیز می گوید ضامن مباشر، به سبب مقدم بودن مباشرت بر تسیب است و در این مساله، بین فقها، هیچ اختلافی نیست، بلکه این مطلب نزد فقها، از مسلمّات

باب ضمان و قصاص و دیات است، حتی صاحب کشف اللثام بر آن ادعای اجماع کرده است. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۷: ۵۴) شیخ طوسی در این زمینه می‌گوید: هرگاه مباشر و سبب، در اتلاف چیزی با هم جمع شوند، در صورتی که مباشر، از سوی سبب، اکراه، به اتلاف نشده باشد، ضمان، بر عهده ی سبب نیست (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۱۳۱).

به نظر می‌رسد که فتاوی فقها، بیشتر به صورت قضایای خارجیه و خاص صادر شده و هر یک، حکم مثال و قضیه جزئی را بیان فرموده‌اند، ولی در قالب یک قاعده کلی، می‌توان گفت، اقوا بودن در تسبیب، بدون شک، یک اصل است. بنابراین، چنان چه این امر، به گونه‌ای باشد که سایر اسباب را کان لم یکن سازد و موجب اقوا در استناد گردد و این امر، برای دادگاه احراز شود، بی‌تردید دادگاه باید به مسئولیت و ضمان سبب اقوا حکم بدهد؛ درست مانند موردی که در اجتماع سبب و مباشر، سبب، اقوای از مباشر است (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱: ۱۳۱).

تحریک گاهی می‌تواند از مصادیق سبب اقوی از مباشر باشد. اگر مباشر، به دلیل رفتار تحریک آمیز شخص تحریک کننده، چنان تحت تاثیر قرار گرفته که نتواند اختیار رفتارش را به دست گرفته و خود را کنترل کند، می‌تواند از جمله موارد سبب اقوای از مباشر باشد و عرف نیز در بسیاری از موارد، موید این مطلب می‌باشد. در اینجا فی الواقع، رفتار تحریک آمیز سبب، باعث وقوع جنایت یا بروز خسارت توسط مباشر شده است. چرا که سبب، می‌تواند با تحریک مباشر، وی را در شرایط روحی خاصی قرار دهد.

حالتهای متصور بر اجتماع سبب و مباشر

الف) اقوا بودن سبب از مباشر

گاهی پیش می‌آید که بنا به دلایلی، سبب از مباشر قوی تر است و تاثیر و نقش سبب در بروز و ورود خسارت، از مباشر بیشتر است در چنین وضعیتی، فقها مسیولیت را با سبب اقوا می‌دانند و لذا در فرض قوی بودن سبب، ذمه ی سبب به ضامن مشغول می‌شود و مباشر، در ضمان شریک نمی‌باشد مثل حالتی که مباشر تحت تاثیر غرور یا اکراه قرار می‌گیرد. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۷: ۵۶) به نظر برخی حقوقدانان، در موردی که سبب، اقوای از مباشر باشد به نحوی که عرفا مستند به آن باشد، مسئولیت با سبب است و مباشر، مسئولیتی

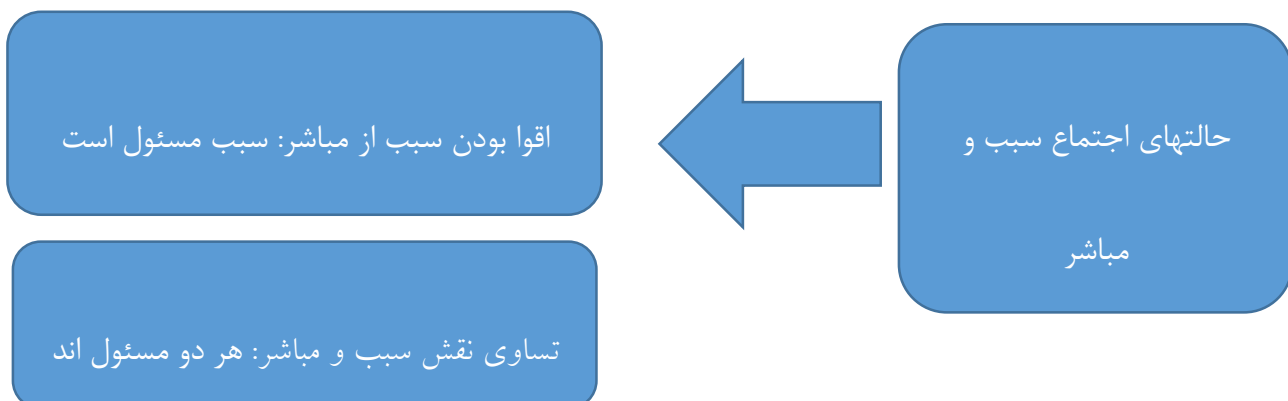
ندارد (طاهری، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۳۱) لذا می توان گفت که اگر حادثه ای در اثر همکاری مسبب و مباشر صورت پذیرد، یعنی شخصی سبب تلف و دیگری مباشر آن باشد و در حالت ویژه ای، عرف دخالت مسبب را موثر دانسته و او را سبب اقوی بشناسد در اینجا مسیولیت به عهده ی مسبب است. سبب اقوا از مباشر را می توان بر اساس مبانی حقوق اسلامی، از مصادیق فاعل معنوی جرم دانست و اکثر حقوقدانان، فاعل معنوی جرم را ذیل عنوان سبب اقوی از مباشر مورد بحث قرار داده اند (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۹۳؛ شامیاتی، ۱۳۷۲: ۱۸۹).

ب) تساوی نقش سبب و مباشر

قاعده ی اصلی در مورد اجتماع سبب و مباشر، تقدیم مباشر بر سبب است و تنها فرضی که از این قاعده استثناء شده، اقوی بودن سبب از مباشر است. برخی از فقها معتقدند که در فرض اجتماع سبب و مباشر، هنگامی که مباشر قوی تر است و یا در حالتی که هر دو، مساوی هستند، مباشر ضامن است. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۴: ۱۴۵) به عبارتی، در خصوص نقش اسباب متعدّد در وقوع خسارت و ضرر، حکم مسیولیت سبب و مباشر، پذیرفته شده، ولی در فرض نقش برابر سبب و مباشر، مسیولیت به عهده ی مباشر گذاشته شده است. البته برخی فقها در چنین حالتی نیز حکم این موضوع را به داوری عرف واگذار کرده اند. (میرفتاح مراغی، ۱۴۱۷: ۲۹۱) البته با توجه به ماده ی ۳۳۲ قانون مدنی، اصل بر مسیولیت مباشر است و تنها فرض استثناء شده، فرض اقوی بودن سبب از مباشر است و در فرض تساوی نقش سبب و مباشر، چیزی در این ماده ی قانونی بیان نشده و لذا ظاهراً باید به اصل و قاعده، که مسیولیت مباشر است رجوع شود. هر چند برخی از حقوقدانان در این خصوص معتقدند که غلبه در اجتماع مسبب و مباشر در ایراد ضرر، این است که مباشر، اقوی است و معنای اقوا بودن این است که اضرار، به او منتسب است نه به سبب و هر حکم قانونی که متکی بر غلبه باشد، اماره است و اصل در امارات قانونی هم، نسبی بودن است پس مدلول ماده ی ۳۳۲ قانون مدنی، مانع از این نمی شود که اگر انتساب به هر دو، عرفاً صحیح باشد هر دو، متضامناً در برابر متضرر از اتلاف مسئول باشند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۹: ۲۵۸) برخی دیگر از حقوقدانان نیز معتقدند که منطق حقوقی ایجاب می کند که در این فرض، به ویژه در جایی که هر دو، قصد اتلاف دارند و اجرای آن را تقسیم کرده اند هر دو مسیول شمرده می شوند زیرا مجموع سبب و مباشرت خسارت را به بار آورده اند. (کاتوزیان، ۱۳۶۲: ۱۳۷) برخی نیز مسیولیت مساوی سبب و مباشر را ترجیح داده اند (امامی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۳۹۵).

در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی، معیار دقیقی برای اقوا بودن سبب از مباشر و یا مباشر از سبب ارائه نشده و فقط در انتهای این ماده ی قانونی، به مواردی چون صغیر، مجنون، جاهل یا بی اختیار بودن مباشر اشاره شده است. برخی از حقوقدانان در این خصوص اشاره به داوری عرف کرده و داوری عرف را در این زمینه موثر دانسته و معتقدند که در چنین مواردی باید موضوع را به عرف حواله کرد (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲: ۵۴).

به نظر در چنین مواردی، با توجه به عرف و میزان تقصیر و دخالت هر یک از اسباب، می توان ضمان و مسیولیت مدنی را مشخص و معین نمود و این حالتی که در این ماده ی قانونی به آن اشاره شده است که کلیه ی اسباب یک واقعه، به صورت یکسان و برابر، نقش آفرینی کرده و تاثیر یکسانی داشته باشند به ندرت اتفاق می افتد.



رابطه سببیت و فاعل معنوی جرم

برخی از حقوقدانان به این مساله تحت عنوان فاعل معنوی جرم اشاره کرده و معتقدند که فاعل معنوی جرم، در مقابل فاعل مادی یا مباشر مادی جرم به کار می رود و منظور از فاعل مادی جرم، شخصی است که به طور مستقیم، عملیات اجرایی جرم را انجام می دهد. حالت فاعل معنوی، نوعی مباشره ی مع الواسطه است که در آن، مجرم، شخصا در ارتکاب جرم، دخالتی ندارد و دیگران، او را وادار به ارتکاب جرم می کنند. شمس ناتری، ۱۳۹۵: ۳۱۲) فاعل معنوی که نوعی سببیت در ارتکاب جرم است در واقع بدون این که در عملیات اجرایی و مادی جرم، شرکت داشته باشد، دیگری را وادار به ارتکاب جرم می کند. به عبارت دیگر

فاعل معنوی بر خلاف فاعل مادی که به طور مستقیم مرتکب جرم می گردد به طور غیر مستقیم و به واسطه ی دیگری از انسان و حیوان، سبب وقوع جرم می گردد. (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۳۷) با توجه به این که قانونگذار ما تحت تاثیر منابع فقهی، مساله تسبیب را پذیرفته است، می توان گفت که فاعل معنوی جرم، یکی از مصادیق تسبیب است و فقه اسلامی و قانونگذار ما این مساله را به عنوان یک قاعده پذیرفته اند.

و لذا تحریک به ارتکاب جرم را می توان نوعی سببیت معنوی در ارتکاب جرم نیز دانست ولی چگونگی انجام آن و حدود مسئولیت شخص تحریک کننده، باید در جای خودش و در بررسی مصادیق جرم صورت گرفته و با توجه به عرف مشخص شود همان گونه که برخی حقوقدانان نیز بر این عقیده اند. چرا که در تحریک، فردی که تحت تاثیر تحریک محرک، جرمی را مرتکب شده است با قصد و اراده و رضایت باطنی خود، دست به ارتکاب جرم مورد نظر شخص محرک زده است. به دیگر بیان می توان گفت که تحریک به ارتکاب جرم، نوعی نسبت معنوی در ارتکاب جرم محسوب می شود که با فاعلیت معنوی جرم ارتباطی نزدیک دارد. ولی در مواردی نیز، تحریک، جرمی مستقل است و محرک، معاون جرم محسوب می شود و تحریک کننده مجازاتش همانند مجازات فاعل معنوی جرم است.

ارتباط بین مسئولیت کیفری با مسئولیت مدنی

از جمله مطالب مهم در ذیل این مبحث، ارتباط بین مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی است. به طور خلاصه باید اذعان داشت که هرچند مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی مبانی متفاوتی دارند و هر دو ناشی از نص قانون هستند، زوال مسئولیت کیفری به معنای زایل شدن مسئولیت مدنی نیست. در اینجا به نمونه ای از رأی دیوان عالی کشور اشاره می شود. به موجب رأی دیوان عالی کشور «ماده ۱۵۸ (بند ث) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مقام توجیه عمل و زایل دانستن وصف مجرمانه بودن وضع شده و منظور از اینکه قابل مجازات نمی باشد ناظر به مجازات های تعزیری است که در بخش کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ پیش بینی گردیده و نافی حق خصوصی افراد و سلب مسئولیت مدنی مرتکب، که از حیث نسبت یا رابطه مستقیم به عهده مرتکب گذاشته می شود، نخواهد بود» ۱. دادنامه شماره ۱۶۷۸ - ۷۷/۹/۲۲ شعبه ۱۱۰۲ دادگاه عمومی تهران اشعار می دارد: «... آنچه مسلم است، در ورزش های رزمی وارد ساختن ضربات مختلف جزء اصول آن می باشد و دادگاه برای روشن شدن این موضوع که آیا ضربه به صورت صحیح و در چارچوب ضوابط ورزش تکواندو وارد شده یا خیر، مبادرت به جلب نظر کارشناسان فدراسیون تکواندو [کرده اند و آن ها] طی گزارش

مبسوطی عملکرد مربی را متعارف و مطابق مقررات ورزشی تکواندو اعلام نموده‌اند.... بنا به مراتب، توجهاً به اظهارات شاکیه و آقایان مسئول وقت مجموعه ورزشی و آقای مربی و اظهارات تعدادی از هنرآموزان ورزش مذکور که ناظر به صحنه بوده‌اند و همچنین نظریه کارشناسان فدراسیون تکواندو و پزشکی قانونی، دادگاه حادثه مذکور را در چارچوب ضوابط ورزشی تکواندو دانسته و عمل غیرمتعارفی را متصور نمی‌داند و بنا بر قاعده برائت‌الذمه به استناد اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حکم به برائت آقای مربی و آقای مدیر وقت باشگاه ورزشی صادر و اعلام می‌نماید.» پس، با توجه به رأی فوق اگر ضربات مطابق قانون آن ورزش باشد، مسئولیت کیفری متوجه کسی نخواهد بود. در یکی از نظرات اداره حقوقی آمده است: «شکستگی استخوان در مسابقه کشتی دیه دارد و تشخیص عمدی و غیرعمدی بودن ایراد صدمه با مرجع رسیدگی‌کننده است» (برگرفته از نظریه ۷/۴۴۱۳ - ۶۷/۶/۳۰ اداره کل حقوقی قوه قضاییه).

معاونت در جرم

معاونت در جرم از اصطلاحات علم حقوق بوده و به معنای حضور تاثیرگذار عوامل دیگری علاوه بر مجرم در ارتکاب جرایم عمدی است. معاونت در جرم در صورتی قابل مجازات است که شخصی به غیر از مرتکب اصلی، جرمی را که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، یاری و مساعدت کند. ارکان تشکیل دهنده معاونت در جرم شامل رکن قانونی، رکن مادی و رکن معنوی است. رکن قانونی ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی است که مجازات‌هایی را برای این جرم در نظر گرفته است. رکن مادی که چهار عامل در تحقق این رکن دخالت دارند: اول تحقق عمل مادی مثبت، دوم تحقق فعل مجرمانه در خارج، سوم وحدت وجود قصد و چهارم تقدم یا اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشر جرم. رکن معنوی که همان قصد مجرمانه یا سوء نیت است.

معاونت در جرم از طریق‌های زیر قابل تصور و تحقق است:

(۱) معاونت از طریق تحریک، ترغیب، تهدید یا تطمیع:

الف) تحریک: توصیه و تشویق و فرمان به ارتکاب جرم. به عنوان مثال هواداران با تشویق‌ها یا جملات مکرر ورزشکار را تحریک به زدن ضربات محکم تر به طرف مقابل نمایند.

ب) ترغیب: ایجاد میل و علاقه به ارتکاب جرم. مثلا مدیران یا دست اندرکاران باشگاه های ورزشی ورزشکاران با ایجاد میل و علاقه به استفاده از داروها و یا غذاهایی انرژی زای ممنوعه نمایند و در اثر آنها ورزشکار مرتکب جرم علیه دیگران گردد. یا به عنوان مثال شخصیت های حقیقی یا حقوقی فعالان امور سلامت را ترغیب به خرید و عرضه داروهای ممنوعه نمایند و این رفتارها منجر به خطر افتادن جان و سلامت افراد جامعه شود و عنوان مجرمانه کیفری پیدا نماید. مصادیق عناوین مجرمانه در امور مرتبط با سلامت را می توان در «قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی» و «قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی» ملاحظه کرد.

ج) تهدید: که شخص را وادار به ارتکاب عملی برخلاف میل باطنی خود می کند که در صورت امتناع، احتمال خطر جانی یا مالی یا آبرویی برای تهدید شونده وجود دارد.

د) تطمیع: که انگیزه ارتکاب جرم بیشتر جنبه مادی و مالی دارد.

۲) معاونت از طریق دسیسه، فریب و نیرنگ: اعمالی که شخص با صحنه سازی و توسل به کاری خدعه آمیز، قصد ارتکاب جرم را در دل مباشر پرورش دهد.

۳) معاونت از طریق تهیه وسایل ارتکاب جرم: مانند تهیه اسلحه با علم به این که اسلحه برای ارتکاب جرم به کار برده خواهد شد.

۴) معاونت به واسطه ارائه طریق: روش و راه ارتکاب جرم را مستقیم یا غیرمستقیم به مباشر یاد بدهد با علم و عمد در ارائه اطلاعات برای ارتکاب جرم.

۵) معاونت به وسیله تسهیل ارتکاب جرم: مانند کسی که دست های دیگری را از پشت بگیرد تا شخص دیگر با زدن ضربه ای او را به قتل برساند. یا آگاه ساختن سارقین به وجود پلیس یا صاحب خانه.

نتیجه گیری

مبانی مسئولیت کیفری و عدالت اسلامی ایجاب می نماید در جرایمی که اشخاص، با سبق تصمیم و اراده و در فضایی آگاهانه مرتکب می شوند با جرایمی که بدون سبق تصمیم و به صورت ناگهانی و با تحریک بزه دیده، مرتکب می شوند، قائل به تفکیک شده و در روند مجازات، موثر باشد. چرا که بر اساس آموزه های فقهی و نظر بسیاری از حقوقدانان، قدرت تحریک گاهی به گونه ای است که باعث از بین رفتن کلی و یا جزئی قدرت تشخیص و کنترل فرد می شود و همین مساله، می تواند عاملی باشد بر خدشه دار شدن عنصر معنوی جرم و تاثیر گذاری در مسئولیت کیفری.

با نگاهی به قواعد فقهی چون اعانه بر اثم، مقدمه ی حرام، قاعده ی اقدام، قاعده ی فقهی سبب و مباشر و هشدار، به خوبی در می یابیم که هر کدام از این قواعد، به گونه ای به نقش تحریک در روند وقوع جرم اشاره نموده و این مساله می تواند موید خوبی بر تقویت پشتوانه های فقهی، حقوقی، به منظور توجه بیشتر به مقوله نقش و تاثیر تحریک در روند وقوع جرم باشد به گونه ای که بتوان در تمامی جرایم، اعم از حدود و تعزیرات و حتی اضافه شدن قاعده و قانونی عام در قانون مجازات اسلامی به عنوان تاثیر تحریک در روند وقوع جرم و اعمال مجازات به صورت مطلق به آن استناد کرد.

همچنین مشخص گردید شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی که ورزشکاران یا فعالان امور سلامت را تحریک به وقوع جرم می نمایند به عنوان «معاون جرم» قابل تعقیب کیفری هستند.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آقای نیما، حسین (۱۳۹۲). *جرایم علیه اشخاص*. تهران: نشر میزان.
- ۳- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۹۲). *فرهنگ معاصر عربی به فارسی*. چاپ پانزدهم، تهران: نشر نی.
- ۴- اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۴). *حقوق جزای عمومی*. چاپ چهارم، تهران: انتشارات میزان.
- ۵- الهی منش، محمدرضا؛ مرادی اوجقاز محسن (۱۳۹۲). *جرایم علیه اشخاص*. چاپ اول، تهران: انتشارات مجد
- ۶- امامی، سید حسن (۱۳۴۴). *حقوق مدنی*. تهران: انتشارات اسلامی.
- ۷- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۱). *المکاسب المحرمه والبیع و الخیارات*. چاپ اول، قم: انتشارات دارالذخائر.
- ۸- ایروین جی. ساراسون؛ باربارا آر. ساراسون (۱۳۷۷). *روانشناسی مرضی*. ترجمه بهمن نجاریان، محمد علی اصغری مقدم، محسن دهقانی، چاپ سوم، تهران: انتشارات رشد.
- ۹- بابایی، محمد علی (۱۳۹۰). *جرم شناسی بالینی*. چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- ۱۰- باهری، محمد (۱۳۸۴). *نگرشی بر حقوق جزای عمومی*. چاپ دوم، تهران: مجد.
- ۱۱- بستانی، فؤاد (۱۳۷۵). *فرهنگ ابجدی*. چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلامی.
- ۱۲- بلاغی، سید عبد الحجت (۱۳۸۶). *حجۀ التفاسیر و بلاغ الإکسیر*. چاپ اول، قم: انتشارات حکمت.
- ۱۳- پاینده، ابولقاسم (۱۳۸۲). *مجموعه کلمات قصار*. چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش.
- ۱۴- پسندیده، عباس (۱۳۹۱). *رضایت زناشویی*. قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
- ۱۵- تاج زمان، دانش (۱۳۶۴). *مجرم کیست جرم شناسی چیست*. تهران: موسسه کیهان.
- ۱۶- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰). *غرر الحکم و درر الکلم*. چاپ دوم، قم: انتشارات دارالکتاب الاسلامی.

۱۸- جاد مولی، محمد احمد (۱۳۸۰). قصه های قرآنی، تاریخ انبیاء (ع). چاپ دوم، قم: انتشارات پژوهاک اندیشه.

۱۹- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۲). ترمینولوژی حقوق. چاپ ششم، تهران: انتشارات گنج دانش.

۲۰- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۹). مجموعه محشای قانون مدنی. چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش.

۲۱- جمال الدین، محمد ابن منظور (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: نشر دارالفکر.

۲۲- جمعی از محققان پژوهشگاه تحقیقات اسلامی (۱۴۲۸). جهاد در آینه روایات. چاپ اول، قم: زمزم هدایت.

۲۳- جمعی از پژوهشگران، زیر نظر هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۶). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.

۲۴- جمعی از محققان پژوهشگاه تحقیقات اسلامی (۱۴۲۹). فرهنگ موضوعی جهاد و دفاع. چاپ اول، قم: انتشارات زمزم هدایت.

۲۵- جولیوس گولد، ویلیام (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر پرهام و دیگران. تهران: انتشارات مازیار.

۲۶- حاجی ده آبادی، محمد علی (۱۳۸۸). تقریرات درس جرم شناسی. قم: انتشارات دانشگاه قم.

۲۷- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. چاپ اول، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.

۲۸- حسینی، نجیب (۱۳۹۱). رابطه سبب در حقوق کیفری. ترجمه سید علی عباس نیای زارع. چاپ سوم، مشهد: انتشارات علوم اسلامی رضوی.

۲۹- حسینی تاشی، سید صادق (۱۳۸۶). رابطه جرم و گناه. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۳۰- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳). تفسیر اثنا عشری. چاپ اول، تهران: انتشارات میقات.

- ۳۲- حسینی همدانی، سید محمد (۱۴۰۴). *تفسیر انوار درخشان*. چاپ اول، تهران: انتشارات لطفی.
- ۳۳- حیاتی، علی عباس (۱۳۹۲). *مسئولیت مدنی*. چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- ۳۴- شهابی خراسانی، محمود بن عبد السلام تربتی (۱۴۱۷). *ادوار فقه*. چاپ پنجم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- ۳۵- خطیب، مهدی (۱۳۹۱). *شادی و شادکامی، درآمدی بر شادی از دیدگاه اسلام*. چاپ اول، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
- ۳۶- دامن پاک مقدم، ناهید (۱۳۸۰). *بررسی نظریه عرفی بودن قرآن*. چاپ اول، تهران: نشر تاریخ و فرهنگ.
- ۳۷- داوری محمد؛ سلیمی، علی (۱۳۸۰). *جامعه شناسی کجروی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۳۸- درگاهی خو حمید؛ محمدی امین (۱۳۹۵). *شرح جامع قانون مجازات اسلامی*. چاپ سوم، تهران: انتشارات ارشد.
- ۳۹- دشتی، محمد (۱۳۷۹). *ترجمه و شرح نهج البلاغه*. چاپ دوم، قم: نشر حیات.
- ۴۰- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸). *اعلام اللّٰین فی صفات المؤمنین*. چاپ اول، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- ۴۱- زراعت، عباس (۱۳۸۶). *جرایم علیه اشخاص*. تهران: انتشارات فکر سازان.
- ۴۲- سبحانی، جعفر (۱۴۱۴). *المختار فی احکام النخيار*. قم: موسسه امام صادق (ع).
- ۴۳- سبحانی نیا، محمد (۱۳۹۲). *رفتار اخلاقی انسان با خود*. چاپ اول، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
- ۴۴- سعیدی روشن، محمد باقر (۱۳۸۳). *تحلیل زبان قرآن*. چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۴۵- سیاح، احمد (۱۳۷۵). *فرهنگ دانشگاهی ۲*. چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام.
- ۴۶- سید قطب (۱۹۷۵). *التصویر الفنی فی القرآن*. چاپ سوم، قاهره: دارالمعارف.

- ۴۸- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۲). حقوق جزای عمومی. چاپ دوم، تهران: انتشارات کیان.
- ۴۹- شریعتی، محمد تقی (۱۳۸۴). وحی و نبوت در پرتو قرآن. چاپ اول، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- ۵۰- شمس ناتری، محمد ابراهیم (۱۳۹۵). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی. چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
- ۵۱- صادقی، محمدهادی (۱۳۸۷). جرایم علیه اشخاص. تهران: نشر میزان.
- ۵۲- صانعی پرویز (۱۳۷۴). حقوق جزای عمومی. چاپ سوم، تهران: گنج دانش.
- ۵۳- صدارت، علی (۱۳۴۰). حقوق جزا و جرم شناسی. چاپ اول، تهران: کانون معرفت.
- ۵۴- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۶). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. چاپ دوم، قم: دار الشریف الرضی للنشر.
- ۵۵- صدوق قمی، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه. چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ۵۶- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۲). حقوق مدنی، ضمان قهری. چاپ اول، تهران: انتشارات دهخدا.
- ۵۷- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۹). ضمان قهری و مسئولیت مدنی. چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵۸- قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶.
- ۵۹- قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی، مصوب ۱۳۳۴.
- ۶۰- قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷.
- ۶۱- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲